

# حقیقت دعا

○ حمید پارسانیا

دعا، خواندن است به گونه‌ای که نظر مدعو خواننده شده به سوی داعی و کسی که می‌خواند بازگردد. و چون خدای تعالی کمال مطلق و منزّه از همه نقایص است وجه او در همه احوال با همه اشیاء همراه است به گونه‌ای که «اینما تولوا فثم وجه الله» به هر سوی روی گردانید وجه خداوند سبحان در آنجاست.»  
وحدت حق تعالی وحدت صمدی است و وحدت صمدی، وحدتی محیط و فراگیر است؛ چندان که جایی از او خالی نیست، پس او در همه حال حاضر و ناظر است، فیض و فضل خداوند سبحان نیز مستمر و بی‌انقطاع است. او دائم الفضل علی البریة<sup>۲</sup> است. بر مخلوقات همواره افاضه می‌کند، برای افاضه او کناره و کرانه‌ای نیست. و هر کران و کناری که فرض شود مربوط به مخلوقات است.

خداوند سبحان به عنوان «الله نور السموات والارض»<sup>۱</sup> نور آسمان‌ها و زمین است. اشراقات مستمر او به صبح و شام مقید نیست، و شب و روز از چرخش اشیاء و تبدیل و تغییر احوال آنها پدید می‌آید. هر موجود که روی از حق بازگیرد تیره و تار است، و چون روی به او بازگرداند، منور و نورانی می‌شود، پس دعای بندگان در پیشگاه خداوند، گرچه در خواست نظر و نگاه اوست ولیکن در حقیقت بازگرداندن روی و وجه بنده به سوی حق است و گرنه تا آنجا که به حق منتسب است او هیچ‌گاه از بندگان چهره بر نمی‌گیرد و هرگاه نیز که چهره او بر بنده پوشیده شود، پوشیدگی او از ناحیه اعراض و ادبار بندگان است.

## دعا در کلام خدا

رحمت رحمانیه و نظر عام و گسترده الهی مقید به اطلاق بوده و از هر قید خاصی منزّه و مبری است، و هر قیدی که بر آن نشیند، از ناحیه تحوه درخواست و تقاضای مخلوقات است و به همین دلیل است که حق تعالی نظر و پاسخ خود را به هیچ قیدی مقید نمی‌گرداند، و تنها شرط آن را دعا و پرستش بندگان معرفی می‌کند، و می‌فرماید:

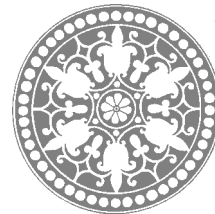
اذا سالک عبادی عنی فأتی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی لعلهم یرشدون<sup>۱</sup> آن‌گاه که بندگان من به نزد تو آمده از من پرسش می‌کنند، پس به درستی که من نزدیک هستم، دعوت دعاکننده را همان هنگام که می‌خواند پاسخ می‌گویم.

بین خواندن بنده و نگاه و پاسخ خداوند فاصله‌ای جز همان خواندن نیست. پس اگر حق تعالی به بنده نظر نداشته است، در حقیقت بنده از او روی بازگردانده بوده است، و چون بنده به او روی کند او را رویاروی خواهد دید، بنده در هنگام توجه و روی آوردن به خداوند، او را می‌بیند که از آغاز به او نظر داشته است، و بلکه او را می‌بیند که توجه و بازگشت بنده را می‌خواسته است، یعنی بنده هنگامی که روی به دعا می‌آورد، و خدای تعالی

را می‌خواند می‌یابد که حق تعالی قبل از او بنده را خوانده است و استجابت او را خواسته است و ادامه آیه فوق در بیان همین معناست که می‌فرماید: پس من را اجابت کنید، و به من ایمان آورید. که اگر به او روی آورده و نزدیکی و حضور او را دریابند، به او راه خواهند یافت.  
قسمت نخست آیه با لطایفی فراوان از حقیقت دعا و راهی که دعاکننده در مسیر دعا طی می‌کند خبر می‌دهد.

دعاکننده ابتدا چون خود از حق روی گردانده است، از مشاهده او که در نهایت قرب و نزدیکی است عاجز می‌ماند، و به همین سبب به نزد پیامبر صلوات الله علیه رفته و از خداوند می‌پرسد، و حق تعالی که خود ناظر این جستجو است از سالک که پای در طریق سؤال نهاده با عبارت پرمهر «بنده سخن می‌گوید.

و از آن پس به رغم آن که بنده سؤال را از رسول خدا صلوات الله علیه و آله آغاز کرده است، حق تعالی بی آن که پیامبر صلوات الله علیه و آله را واسطه در خطاب قرار دهد. خود مستقیم به متن گفت‌و شنود وارد شده و همچنان با ضمیر متکلم وحده از قرب و نزدیکی خویش خبر می‌دهد، و این خبر را اولاً با کلمه تأکید «ان» و ثانیاً به صورت جمله اسمیه با صفت قریب



بیان می‌کند. زیرا استفاده از وصف بر ثبوت قرب و استمرار آن دلالت می‌کند، و از آن پس نیز با فعل مضارع بر اجابت آنچه که بنده در دعا می‌خواهد، بشارت می‌دهد، زیرا فعل مضارع از تجدد مستمر اجابت حکایت می‌کند.

خداوند سبحان در آیه اجابت خود را به یک قید مقید می‌گرداند و آن دعوت و خواندن بنده است، اجابت دعا تنها مقید به دعا است و این قید در حقیقت به معنای تأکید بر این است که افاضه حق تعالی جز به تقاضا و درخواست بنده مقید نیست، و این معنی که اجابت او به دعای بنده وابسته است. از آیه «دعونی استجب لکم» نیز استفاده می‌شود.

#### دعا وسیله تقرب به خدا

همانگونه که گذشت خدای تعالی به دلیل احاطه و شمولی که دارد، هیچ گاه از بندگان دور نیست و به همین دلیل فاصله حق با بندگان فاصله‌ای دوسویه نیست بلکه یک سویه است از طرف خدای تعالی بعد و قربی نیست، قربیت و نزدیکی خداوند مطلق است و در برابر بُعد نیست، او همانگونه که در آیه سوره بقره آمده است، به راستی نزدیک است، نزدیکی حق تعالی با بندگان را دیگر آیات شرح می‌دهند، در برخی از آیات خداوند سبحان نزدیک‌تر از دیگران به انسان معرفی می‌شود: «و نحن اقرب الیه منکم ولكن لاتبصرون»<sup>۱</sup> یعنی ما به او نزدیک‌تر از شما هستیم و لکن شما نمی‌بینید، در بعضی از آیات دیگر خداوند خود را نزدیک‌تر از اجزاء انسان به انسان معرفی می‌کند و می‌فرماید: «نحن اقرب الیه من حبل الوری»<sup>۲</sup> یعنی ما به انسان از رگ گردن نزدیک‌تر هستیم. و بالاخره در بعضی دیگر خداوند از انسان به انسان نزدیک‌تر معرفی شده است: «ان الله یحول بین المرء و قلبه» یعنی به درستی که خداوند بین انسان و قلب و جان او واسطه است.<sup>۳</sup>

پس اگر فاصله‌ای بین انسان و خداوند باشد، از طرف حق تعالی نیست بلکه از طرف بنده است، حکایت دوری بنده از پروردگار حکایت دوری کور از نوری است که بر او محیط است، کور برای آن که فاصله خود را با نور طی کند چاره‌ای جز گشودن چشم و روی آوردن به نور ندارد، چشم پوشیدن بر حق تعالی استکبار در برابر او و پشت کردن به عبادت حق است، و چشم گشودن بر حق روی آوردن و خواستن از اوست.

#### برترین عبادت‌ها

در ذیل آیه «ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم و اخرین» در کافی از امام باقر علیه‌السلام روایت شده است، هوالدعاء و افضل العبادة الدعاء<sup>۴</sup> در آیه به کسانی که از عبادت حق سرباز زده و بزرگی می‌ورزند جهنم وعید داده شده است، و امام علیه‌السلام، سرباز زدن از عبادت راه دوری از دعا می‌خواند، و می‌فرماید: دعا برترین عبادت‌ها است، در حدیث نبوی نیز آمده است که: «الدعاء مخ العبادة...»<sup>۵</sup> یعنی دعا، مغز، عصاره و خالص عبادت است، بنده با دعا، فاصله خود با خدا را طی می‌کند و با تقرب به خداوند هم از تیرگی و تباهی بیرون آمده و نورانی می‌شود و هم از رحمت خداوند بهره‌مند می‌گردد.

#### رفع موانع و کلید رحمت خدا

همانگونه که خدای تعالی به بندگان نزدیک است، رحمت و افاضه او نیز عام و شامل است و برهمگان به نحوی یکسان نازل می‌شود و از جانب حق منعی برای استفاده از آن نیست، بلکه فیض او مشتاق وصول به همگان است و هر منعی که هست از ناحیه ارباب بندگان است و بنده با درخواست خود، درب رحمت را بر خود می‌گشاید. از امیر مؤمنان علی علیه‌السلام روایت شده است: «الدعاء یرد القضاء بعد ما ابرم ابراماً فاکثر من الدعاء فانه مفتاح کل رحمة و نجاح کل حاجة و لاینال ما عند الله الا بالدعاء و انه لیس باب یكثر قرعه الا یوشک ان یفتح لصاحبه»<sup>۶</sup> یعنی، آن گاه که قضاء الهی بر کسی محکم شده باشد، با دعا و درخواست بنده آن قضا

باز می‌گردد، پس دعا را زیاد نما که کلید هر رحمتی است و هر حاجت به آن روا شود و به آنچه در نزد خداوند سبحان است جز با دعا نمی‌توان رسید، به درستی که هیچ دری نیست جز آن که با کوبیدن بسیار بر صاحب آن باز شود.

در روایتی دیگر ابی ولاد از ابی‌الحسن علیه‌السلام نقل کرده است: مامن بلاء ینزل علی عبد مؤمن فیلهمه الله الدعاء الا کان کشف ذلک البلاء و شیكاً و مامن بلاء ینزل علی عبد مؤمن فیمسک عن الدعاء الا کان ذلک البلاء طویلاً، فاذا نزل البلاء فعلیکم بالدعاء و التضرع الی الله<sup>۷</sup> یعنی، هر بلایی که بر بنده مؤمن نازل شود اگر حق تعالی دعاء را به آن بنده الهام کند، رفع بلا نزدیک و سریع است و اگر بنده در دعا کوتاهی داشته باشد، بلا طولانی خواهد بود، پس هرگاه بلا بر شما نازل شد، به دعا و تضرع به نزد او پناه ببرید.

#### زبان دعا

دعا و درخواست از خدا گاه به زبان قال است و گاه به زبان حال و فراتر از این دو، لسان استعداد است، زبان قال همان است که به گفتار و شنیدار حاصل می‌شود و زبان حال از چهره و حالت انسان نمودار می‌گردد مانند تشنه کامی که عطش از سیمای او آشکار است و زبان استعداد، زبان فطرت و وجود آدمی است زبان استعداد به سر و باطن وجود انسان و به گزینشی باز می‌گردد که آدمی در نهاد و نهان خود دارد، این گزینش و انتخاب که به تعبیر اهل معرفت مربوط به عین ثابت آدمی است، گاه از معرض نظر و توجه خود انسان نیز به دور می‌ماند، و آدمی از شناخت آنچه که حقیقتاً طلب نموده و یا می‌نماید، غافل می‌شود. زبان قال به سهولت شنیده می‌شود و زبان حال با نظر و نگاه شناخته می‌شود و لکن زبان استعداد در اغلب موارد مخفی و پنهان می‌باشد. اگر بین زبان قال با زبان حال و یا بین این دو با زبان فطرت و استعداد فاصله افتد، دعا و درخواست گرفتار مشکل است، دعای با زبان قال آن گاه که با حال و استعداد همراه نباشد، دعای غافلانه است از امیر بیان علی علیه‌السلام روایت شده است که فرمود: «لا یقبل الله دعاء قلب لاه»<sup>۸</sup> خدای تعالی دعای قلبی را که سرگرم و غافل است قبول نمی‌کند و از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است: اذا دعوت الله فاقبل بقلبک هنگامی که خدای تعالی را می‌خوانی با قلب خود به سوی او روی آور. خواندن به زبان باید با حال و بلکه با حقیقت و قلب آدمی باشد.

خواجه عبدالله انصاری در باب همراهی زبان قال با لسان حال و استعداد می‌نویسد: «دانسته به خرابات شدن رواست و نادانسته به مناجات رفتن خطا است، بهشت را به بها نمی‌دهند، اما به بهانه می‌دهند حال بهانه است و قال افسانه است، سالک آن است که باشد از این هر دو بر کرانه، طلوس را رنگ باید و رفتار عنذلیب را آهنگ باید.»

انسانی که زبان به دعا می‌گشاید باید اولاً به آنچه حقیقتاً می‌طلبد واقف باشد، و به آن کسی که حقیقتاً می‌بخشد، روی آورد. اگر از بخشنده حقیقی یعنی از حق تعالی طلب شود، او طرف معامله نیست بلکه آنچه از او خواسته شود به بهانه طلب پاسخ داده می‌شود، کسی که شناخت درستی از خود و خداوند ندارد و خود را طرف تقاضا و درخواست دیده، و از آن پس با اعتماد به راز و نیاز و یا کار و تلاش خویش زبان به گفت‌وگو می‌گشاید، اهل قال است، و اهل قال در افسوس و پندار خود گرفتار است، زبان قال آن گاه به کار می‌آید، که حکایت از حال و استعداد داشته باشد، همانگونه که رنگ طلوس از باطن وجه او ظاهر می‌گردد و آهنگ عنذلیب از حالت درون او خبر می‌دهد.

#### شرط اجابت دعا

از آنچه بیان شد رمز اجابت نشدن برخی از دعاها شناخته می‌شود، هنگامی که دعا تنها به زبان قال باشد، دعا گرچه به حمل اولی دعا است و لکن به حمل شایع و به لحاظ واقع مصداق دعا نمی‌باشد، در برخی موارد



نیز دعا و درخواست با دو زبان قال و حال همراه است و لکن با زبان فطرت و استعداد قرین نیست، مانند وقتی که مریض با زبان تقاضای آب می‌کند، و با حالت خویش نیز تشنگی خود را نشان می‌دهد، و لکن او در حقیقت، سلامت خود را می‌خواهد و آبی را که طلب می‌کند برای سلامت او مضر است، حالتی را که او در این حال احساس می‌کند، حالتی کاذب است، و لسان قال و حال او با آنچه حقیقتاً طلب می‌کند، سازگار نیست.

کسی که در سر و باطن وجود خود سر به عصیان گمارده و راه طغیان را می‌پیماید اگر زبان به دعا گشاید و صلاح خود را از خدا طلب نماید بین زبان قال و استعداد و یا حال او نیز فاصله و جدایی است، و دعای او نیز که در حقیقت چیزی جز گفتار به زبان نیست، اجابت نمی‌شود. مواردی که دعا اجابت نمی‌شود در حقیقت، از باب نقصان در دعاست، در این موارد یا دعایی به حسب حقیقت وجود ندارد و یا اگر دعا و درخواستی حقیقی باشد، آن درخواست مطابق با عبارتی که بیان می‌شود نیست و البته اگر دعاکننده از سر نیاز دست برآورده و خداوند را با اخلاص بخواند، خدای تعالی دست او را بی‌پاسخ و تهی باز نمی‌گرداند، هرچند که آنچه که او می‌خواند و آنچه که به او داده می‌شود با عبارتی که خوانده است مطابقت نداشته باشد و به همین دلیل دعاکننده پس از دعا شایسته است که دست خویش را که با رحمت خدا مواجه بوده است بر سر و صورت کشیده و تبرک جوید.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «ما ابرز عبد یده الی الله العزیز الجبار الا استجیبی الله تعالی ان یردها حتی یجعل فیها من فضل رحمته ما یشاء فاذا دعا احدکم فلا یرد یده حتی یمسح علی وجهه راسه»<sup>۱۵</sup>

هیچ بنده‌ای دست خود به سوی خداوند عزیز جبار نمی‌گشاید جز آن که خدای تعالی شرم می‌دارد که آن دست را بازگرداند بدون آن که در آن از فضل رحمت خود آنچنان که مشتیش مقتضی است، چیزی قرار دهد. پس هرگاه از شما کسی دعا کرد، دست خود را تا هنگامی که بر سر و صورت خود نکشد بازنگرداند.

#### ابعاد و ساحت‌های مختلف دعا

برای دعا ابعاد و زوایای مختلفی است، برخی از آن‌ها مربوط به خداوند سبحان است که دعاکننده روی به او می‌آورد، و برخی مربوط به خصوصیات داعی است، مانند زبانی که دعاکننده با آن سخن می‌گوید و حال و استعدادی که دعاکننده دارد، و بعضی دیگر مربوط به چیزی است که در دعا تقاضا و طلب می‌شود و برخی نیز مربوط به شرایط، احوال و زمان‌هایی است که گرچه در خارج از حوزه دعا و دعاکننده قرار دارند و لکن به طور مستقیم و یا غیرمستقیم بر امور محوری و اساسی دعا تأثیر می‌گذارند، و مثلاً زمان‌ها و مکان‌های مختلف ممکن است در حالات و استعدادهای افراد آثار متفاوت داشته باشند.

زوایا و ساحت‌های مختلف دعا را با اعتبارات گوناگونی می‌توان تقسیم کرد، مثل این که برای دعا حقیقت و باطنی است و صورت و ظاهر می‌باشد و هریک از این دو ساحت، منزلت، شأن، احکام و آداب ویژه‌ای دارد. مثلاً حقیقت دعا پیش از آن که به توجه و روی کردن خداوند به انسان بازگردد به شرحی که گذشت به روی آوردن بنده به سوی حق است، و روی آوردن بنده به سوی حق که همان سلوک و صعود به سوی خداوند است، با ذکر و یاد او واقع می‌شود پس ذکر خدا و تقرب به او گوهر و جوهری است که در متن دعا به ودیعه گذارده شده است و این امر عمیق‌تر، فراتر و ارزشمندتر از هر اثر دیگری است که در دعا یافت می‌شود و یا در دعا از آن پرسش شده و طلب می‌شود. دعاکننده اگر به این گوهر توجه کند، در متن دعا برترین پاسخ و اجابت را می‌یابد و اگر از آن غافل بماند، از قدر و منزلت دعای خود می‌کاهد.

آثار و کتب مختلف درباره دعا

باتوجه به ابعاد، احکام و آداب گوناگون دعا در فرهنگ دینی دنیای اسلام آثار و کتب متنوع فراوانی شکل گرفته است، بخش عظیمی از این آثار مشتمل بر اذکار و ادعیه‌ای است که از نبی خاتم صلوات‌الله علیه و ائمه معصومین صلوات‌الله علیهم و اولیاء الهی وارد شده است. این مجموعه از ارزشمندترین موارث دینی بشریت و بلکه برجسته‌ترین آثاری است که پس از قرآن کریم در معرض نظر و استفاده بشریت قرار گرفته است.

از انبیاء و اولیاء اخبار و آثار فراوانی برجای مانده است، کلمات آنان با آن که به عنوان کلامکم نور<sup>۱۶</sup> همواره نور است و لکن در هر مقام در افق فهم و ادراک مخاطب ابراز و اظهار شده است. روایاتی که از پیامبر صلوات‌الله علیه و ائمه معصومین سلام‌الله علیهم در گفت‌وگوی با مردم و خصوصاً درباره امور روزمره و مسایل و قواعد زیست و زندگی آنان بیان شده، پیامی متناسب با موضوع و مخاطب خود دارد، و لکن عباراتی که از آنان در ادعیه وارد شده است کلماتی است که در خطاب با خداوند است، این عبارات، ناب‌ترین عباراتی است که در تاریخ حیات و زندگی انسانی پدید آمده‌اند. جایگاه و منزلت عباراتی که از پیامبر (ص) و عترت (ع) او به هنگام دعا وارد شده است، همتای آیات قرآنی است. با این تفاوت مهم که قرآن کلام نازل الهی است، و ادعیه و کلام صاعد بندگان صالح خداوند است. و به بیان دیگر یکی قرآن نازل است و دیگری قرآن صاعد. قرآن نازل به حسب قوس نزول از نزد خداوند علی حکیم و از مقام جمع نازل شده و تا مقام تفصیل به زبان عربی آشکار تا افق سمع مخاطبین بشری در مدت بیست و سه سال تنزل یافته است و قرآن صاعد، به حسب قوس صعود، از افق عالم طبیعت و از زبان و کلام خلفاء الهی در زمین آغاز شده، و تا مقام اودانی به نجوای با خدا مبدل شده است، و همانگونه که قرآن نازل در مراتب نزول به حسب مرتبه احکام و آداب خاصی را داراست، قرآن صاعد نیز در مراتب صعود، آداب و عبارات ویژه‌ای را به ارمغان می‌آورد. برخی از ادعیه شکوه و شکایت از فراق دارد، و بعضی دیگر شیرینی و خلوت گفت‌وگو و دلالت را به کام می‌نشانند.

بخشی دیگر از آثاری که در باب دعا شکل گرفته است به نقل مستقیم اذکار و ادعیه نپرداخته یا بسنده نکرده‌اند بلکه به احکام، شرایط، آداب، و یا به تحلیل و تبیین حقیقت دعا پرداخته‌اند و این آثار در کاوش‌های خود، از منابع نقلی و دقت‌های عقلی به طور همزمان استفاده کرده‌اند، و گاه نیز تحلیل و تبیین خود را از تأمل در متن ادعیه و اذکار به دست آورده‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. بقره / ۱۱۵
۲. مفاتیح الجنان، در اعمال شب جمعه
۳. نور / ۳۵
۴. بقره / ۱۸۶
۵. مؤمن / ۶۰
۶. مؤمن / ۶۰
۷. واقعه / ۸۵
۸. ق / ۱۶
۹. انفال / ۲۴
۱۰. کافی - ج ۲ - ص ۴۶۶
۱۱. صحیح ترحمی - ج ۱۲ - ص ۲۶۶
۱۲. کافی - ج ۲ - ص ۴۷۰
۱۳. کافی - ج ۲ - ص ۴۷۱
۱۴. کافی - ج ۲ - ص ۴۷۳
۱۵. کافی - ج ۲ - ص ۴۷۱
۱۶. زیارت جامعه کبیره

خداوند سبحان در آیه اجابت خود را به یک قید مقید می‌گرداند و آن دعوت و خواندن بنده است، اجابت دعا تنها مقید به دعا است و این قید در حقیقت به معنای تأکید بر این است که افاضه حق تعالی جز به تقاضا و درخواست بنده مقید نیست، و این معنی که اجابت او به دعای بنده وابسته است. از آیه «ادعونی استجب لکم» نیز استفاده می‌شود